دو فصلنامه علمی تخصصی
مطالعات تطبیقی فقهی
زن و خانواده
سال سوم، شماره پنجم
پاییز و زمستان ۱۴۰۲

نقش زنان در مؤلفه سبک زندگی بیانیه گام دوم انقلاب از منظر فقه امامیه

لیلا پهلوان[۱]

چکیده

رهبر معظم انقلاب اسلامی، امام خامنه‌ای، در تولد چهل سالگی انقلاب شکوهمند اسلامی، نقشهٔ راه ساخت تمدن نوین اسلامی را تحت عنوان بیانیهٔ گام دوم انقلاب در هفت مؤلفه بیان فرمودند که سبک زندگی اسلامی، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های آن به شمار می‌رود. باتوجه به اینکه زنان با نقش تربیت‌محور خود، سازندهٔ اولیهٔ این سبک خواهند بود، شناخت چهارچوب سبک زندگی آنان بر اساس فقه پویای شیعی، به‌عنوان مبنای قانون اساسی، از اهمیت بسزایی برخوردار است. ازاین‌رو نوشتهٔ حاضر با استفاده از منابع مرتبط، به روش توصیفی ـ تحلیلی در پی یافتن این چهارچوب است. در ایدئولوژی فقهی، زنان نیز چه در حوزهٔ فردی و چه در حوزهٔ خانواده و اجتماع باید همواره خداوند را ناظر اعمال خود ببینند و در بینش و منش خود تقوا را لحاظ کنند. همچنین با انجام وظایف خود از یک‌سو در خانواده، محیطی توام با آرامش ایجاد نمایند، زمینهٔ کمال خود و سایر اعضا را فراهم کنند و از سوی دیگر با حضور فعال و عفیف‌گونهٔ خود، دامنهٔ این عفت را به اجتماع بکشانند و محیطی سالم برای بروز استعدادها و توانایی‌های خود و دیگران بسازند.

واژگان کلیدی: سبک زندگی اسلامی، تمدن اسلامی، الگوی رفتار زنان، بیانیهٔ گام دوم انقلاب، زن مسلمان.

---

۱. کارشناسی ارشد دانشگاه معارف رشته مبانی نظری، پژوهشگر پژوهشگاه مطالعات اسلامی و طلبه سطح سه رشته فقه و اصول جامعة الزهراء ﷺ، قم، ایران؛ golarromaysa@gmail.com.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۸/۲۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۰۲

مقدمه

در عصر حاضر، اولین بار یکی از روان‌شناسان به نام آلفرد آدلر از اتریش، اصطلاح Life style یا سبک زندگی را به کار برد که مجموعه‌ای از طرز تفکرها، برداشت‌ها، هنجارها و ارزش‌ها، رفتارها و سلایق و نگرش‌ها و جهت‌گیری‌ها در زندگی فردی و اجتماعی و خانوادگی را شامل می‌شود (زرهانی، ۱۳۹۳). در این راستا سبک زندگی در فقه اسلامی نیز در مسیر تمدن‌سازی خود، به بیان الگوهای منطبق بر شرع مقدس می‌پردازد و با تبیین عملکردهای مجاز و متناسب با کمالات انسانی، زمینه را برای هماهنگی سبک زندگی بشر با اراده تشریعی حق‌تعالی فراهم می‌کند تا سبک زندگی مطلوب را نهادینه سازد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ص۵۳).

انقلاب اسلامی که بر پایه فقه پویای شیعی شکل گرفت، زنان را به‌عنوان هسته مرکزی تعالی خانواده معرفی کرده است تا جایی که در نظر معمار کبیر انقلاب، زن‌ها به‌تبع قرآن کریم، در مسیر انسان‌سازی قرار دارند؛ به‌نحوی‌که اگر زن‌های انسان‌ساز از اجتماع گرفته شوند، آن جامعه به انحطاط کشیده خواهد شد (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج۲۱، ص۳۰۰). باتوجه‌به نقش تربیت‌محور زنان می‌توان گفت باورهای این قشر، بر تمام جمعیت کشور تأثیری محسوس و قابل اتکا دارد.

ازاین‌رو انقلاب اسلامی ایران، زمینه را به‌گونه‌ای فراهم کرده است که بانوان توانستند جایگاه اصلی خود را هم در نهاد خانواده و هم در نظام اجتماع بازیابند و در چنین نقطه عطفی، رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه گام دوم انقلاب» نقشه راه مسیر دستیابی به تمدن نوین اسلامی را ترسیم نمودند و سبک زندگی را از مؤلفه‌های اصلی آن برشمردند. لذا در راستای ساخت تمدن نوین اسلامی مد نظر در بیانیه گام دوم انقلاب، عمق‌بخشی به باورهای صحیح اسلامی و تعریف کاربردی باورها به زنان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است به‌گونه‌ای که گاهی یک باور در این قشر می‌تواند مسیر تاریخ یک کشور را تغییر دهد.

باتوجه‌به اینکه سبک زندگی از مسائل نوظهور در علم جامعه‌شناسی است، نقش زن در این مؤلفه نیز از موضوعات جدیدالورود به شمار می‌رود و براین‌اساس، آثار تألیفی در این موضوع نیز به تعداد قابل‌ملاحظه‌ای نیست. در این راستا، نوشتاری که بیشترین ارتباط را با موضوع موردبحث دارد، مقاله «آسیب‌شناسی نقش و جایگاه زنان و سبک زندگی زمینه‌ساز» نوشته آقای غلامحسین توکلی و ربابه آبداری است که به نقش زنان در دو حوزه خانواده و اجتماع، از بعد ارتباطی که با ظهور و مهدویت دارند پرداخته شده است. مقالات دیگری نیز در این زمینه تألیف شده‌اند؛ از جمله: «نقش و جایگاه اجتماعی زنان و سبک زندگی زمینه‌ساز» اثر یدالله خرم‌آبادی و زهره پوروهابی که سبک زندگی زنان در اجتماع را مورد بررسی قرار داده است. «ویژگی‌ها و مصادیق سبک زندگی زنان در قرآن کریم» نوشته مجید عنان‌پور خیرآبادی که در آن، مؤلفه‌های برجسته از زندگی زنان مطرح‌شده در قرآن کریم را مورد مطالعه قرار داده است. «بررسی سبک زندگی زمینه‌ساز ظهور با تاکید بر نهاد خانواده» تالیف صغری جلیلی جشن‌آبادی که ضمن بررسی نقش زن و مرد در خانواده، نقش زنان را در سازندگی جامعه و یا ارتباط آن با آزادی بیان کرده است. در این راستا تألیفات دیگری نیز وجود دارند که در آنها تنها به بیان مسیر کلی سبک زندگی اسلامی بسنده شده است و نقش خاص زنان، یا مورد توجه نیست یا به‌صورت گذرا بیان شده است؛ ازجمله مقالات و کتبی که با عنوان سبک زندگی اسلامی نگارش یافته‌اند. ازاین‌رو مقاله پیش رو سعی دارد در مسیر بیان آنچه که علم فقه با استفاده از متون دینی، از بینش و منش صحیح و به بیانی جامع سبک زندگی زنان، کشف کرده است، قدمی هرچند ناچیز بردارد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱ـ۱. سبک زندگی

برای بررسی لغوی سبک زندگی لازم است ابتدا این دو واژه به‌صورت جداگانه مورد مطالعه قرار گیرد. سبک در لغت به معنای طور و عمل، طرز و روش، رسم و قاعده

است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج۲، ص۱۶۴۳). زندگی نیز به معنای زیستن و حیات است و به‌صورت مجاز، بر رفتار نیز اطلاق می‌شود (همان، ۱۳۷۷، ج۸، ص۱۱۴۲۲). بنابراین، قرارگرفتن این دو کلمه در کنار یکدیگر، معنای روش و قاعدهٔ خاصی را به ذهن متبادر می‌کند که انسان در طول حیات خود برمی‌گزیند.

در اصطلاح نیز دانشمندان، معانی متفاوتی برای سبک زندگی ارائه داده و رویکردهای مختلفی در این زمینه داشته‌اند. به‌طورکلی می‌توان برایند تمامی این تعاریف را که مناسبت بیشتری با تعریف لغوی این ترکیب دارد، چنین بیان کرد: سبک زندگی، مجموعه‌ای کامل و منسجم از عملکردهای روزمرهٔ یک فرد است که تنها نیازهای روزانهٔ او را مد نظر ندارد؛ بلکه روایتگر هویتی است که شخص برای خود انتخاب می‌کند (اعرافی، بی‌تا، ص۲۸۴).

۲ـ۱. سبک زندگی اسلامی

وقتی به ترکیب سبک زندگی، پسوند اسلامی نیز اضافه می‌شود به این معناست که معیار سنجش رفتار انسان، دین است و ملاک ارزش‌گذاری هویت انسان‌ها بر اساس رفتار و منشی که انتخاب کرده‌اند، ارزش‌های اسلامی است (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص۷). در سبک زندگی اسلامی، دین، سرپرستیِ سعادت بشر در تمامی شئون زندگی او را بر عهده دارد و در مقام بیان هدایت الهی که در قالب ارسال پیامبران صورت می‌گیرد، تحولی بنیادین در تفکر و رفتار یا همان بینش و منش انسان ایجاد می‌کند (فاضل قانع، ۱۳۹۲، ص۳۳).

۳ـ۱. بیانیه گام دوم انقلاب

بیانیهٔ گام دوم انقلاب، بیانیه‌ای است که از سوی رهبر جمهوری اسلامی ایران، امام خامنه‌ای، به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ صادر شده است و در آن با بیان دستاوردهای چهل سال گذشته، راه پیموده‌شده روشن می‌شود. همچنین با تبیین دقیق ظرفیت‌های موجود، لزوم برداشتن گام دوم

انقـلاب در مؤلفه‌هـای علـم و پژوهش، معنویت و اخـلاق، اقتصاد، عدالـت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن و سبک زندگی، بیان می‌شـود که به‌عنوان نقشـهٔ راه ایجاد تمدن نوین اسـلامی به شمار می‌رود (حیدری و حیدری، ۱۳۹۹، ص۱۹۳).

درحقیقت این بیانیه، ترسـیمی کلی از گذشـته، حال و آیندهٔ انقلاب اسـلامی ایران است که بدون پرداختن به جزئیات، اصول کلی را در چهار نقطهٔ اصلی بیان کرده است:

- نقطـهٔ اول، عظمـت انقـلاب که هـم از لحاظ وقوع و هم از لحـاظ ماندگاری، مورد توجه این بیانیه بوده است.
- نقطـهٔ دوم، عظمـت کارکـرد انقـلاب و تأثیـررو بـه پیشـرفت در سـطح داخلـی و بین‌المللی است.
- نقطهٔ سوم، عظمت چشم‌اندازی است که انقلاب اسلامی باید به آن دست یابد.
- نقطـهٔ چهـارم، عظمت نقش نیروی جوان متعهد در اجرای این اصول کلی اسـت (بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸، ج۱، ص۴۵۴).

۲. ابعاد فقهی سبک زندگی

باتوجه‌به اینکه در نظر اکثر فقیهان، فقه به معنای علم به احکام شرعی با استفاده از ادله تفصیلی آنها اسـت (شـهابی، ۱۴۱۷، ج۱، ص۳۶)، در نگاه بدوی به این تعریف چنین به نظر می‌رسـد که احکام فقهی، تنها حوزه عملی و رفتاری مکلفین را دربرمی‌گیرد؛ درحالی‌که فقه اسـلامی در زمینه اندیشـه و بینش بشر نیز وارد می‌شود تا جایی که اعتقاد داشتن به مسائلی همچون توحید، نبوت، معاد و امامت را واجب می‌داند (انصاری، بی‌تا، ج۱، ص۵۶۸). به‌عبارت‌دیگر، بر اسـاس حکم روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام، مسـائلی در دین وجود دارد که اعتقاد به آنها لازم و واجب شمرده شده است. امام باقر علیه‌السلام در تعریف دین می‌فرماید: **«دیني و دین آبائی الذي ندین الله تعالی به، شهادة ان لا إله الا الله و أنّ محمّداً رسول الله و الاقرار بما جاء به من عند الله، و الولایة لولیّنا، و البراءة من عدوّنا، و التسلیم لأمرنا، و انتظار قائمنا، و الاجتهاد و الورع»**

که بدون اعتقاد به این موارد، دین حق تمام نمی‌شود (نراقی، ۱۴۲۲، ج۲، ص۱۴۲).

ازطرفی گرچه عالی‌ترین هدف دین، اعتقاد به مسائل گفته‌شده است و در بین سه نظام اعتقاد و اخلاق و تشریع که تشکیل‌دهنده دین هستند، مسائل اعتقادی نقش محوری و کلیدی را ایفا می‌کنند، اما شکی نیست که استحکام نظام اعتقادی، در گرو التزام به دو نظام دیگر است و فقه، عهده‌دار بیان نظام تشریع است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ص۵۳). با چنین تبیینی، علم فقه از یک طرف چهارچوب وظیفه مکلف در حوزه اعتقاد و بینش را تعیین خواهد کرد و ازطرفی دیگر چون بینش و عقیدهٔ هر انسانی، سیطرهٔ کامل بر رفتار او دارد و تعیین‌کنندهٔ منش اوست، بر نحوهٔ رفتار فردتأثیر مستقیم خواهد داشت. ازاین‌رو ابعاد سبک زندگی از منظر فقهی، در دو حوزهٔ بینش و منش قابل‌بررسی خواهد بود.

۱ـ۲. بینش

بینش در لغت به معنای قدرت ادراک و دریافت (دهخدا، ۱۳۸۵ـ۱۳۹۰، ج۱، ص۵۲۲) و در اصطلاح به معنای باوری است که در قلب نفوذ می‌کند (ابن‌عباد، ۱۴۱۴، ج۸، ص۱۳۵). گرچه در نظر همه اندیشمندان، علم و دانش از اهمیت والایی برخوردار است و اهمیت علم را به ذات علم می‌دانند نه به متصف بودن آن به دین (منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۰۹، ج۱، ص۳۱۰)، اما در نظر فقها، بینش درجه‌ای بالاتر از دانش و علم دارد و وقتی که با علم و دانش و تزکیه نفس، بینش و عقیده‌ای برای انسان حاصل شود، نمی‌توان گفت به بینش صحیح دست یافته است؛ بلکه این درک درصورتی‌که در قالب استدلال یقینی باشد، بینشی صحیح خواهد بود (بهبهانی، ۱۴۰۵، ج۲، ص۲۸۰) و ازآنجاکه کشف این چهارچوب برای عموم مردم امکان‌پذیر نیست، علم فقه، تعیین محدوده درست این حقایق را که همان هماهنگی با شریعت اسلامی است بر عهده دارد.

تفاوت رفتار انسان باورمند به شریعت اسلامی، با انسان مادی‌گرا بر کسی پوشیده نیست. اینکه فردی رفتارهای خود را بر پایه هدف کمال و تقرب الهی بنا نهد تا اینکه

نهایت هدف او رسیدن به لذت و بهره‌مندی بیشتر از امکانات دنیوی باشد، در نحوه عملکرد او به اندازه‌ای تأثیر دارد که گاه فعلی واحد در نظر یکی از این دو مبنا، ارزش و همان فعل در نظر دیگری، کاری بیهوده تلقی می‌شود.

ازنظر شریعت اسلام، آنچه در آسمان و زمین است از آن خداوند است و مالک حقیقی اوست. آیهٔ ۲۸۴ سورهٔ بقره می‌فرماید: ﴿لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾. سعادت و شقاوت نیز در گرو اعتقاد به این مالکیت و باور به این است که همه موجودات، قائم به ذات او هستند. انسان باورمند به چنین حقیقتی، در تمامی اعمال و رفتار خود، هدف را فراموش نمی‌کند و به‌گونه‌ای عمل می‌نماید که تامین‌کنندهٔ سعادت او باشد. بینش چنین انسانی او را وامی‌دارد تا سعادت را در سعادت روح و جسم باهم ببیند و در حالت تزاحم بین خواسته‌های جسم و سعادت روحانی، جانب روح را مقدم کند. برخلاف وی، انسانی با بینش مادی که این مادی‌گرایی او افعالش را نیز پوشش می‌دهد، تا جایی پیش می‌رود که گویی خلقت انسان، هدفی جز بهره‌مندی بیشتر از دنیا را دنبال نمی‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص۲۳ ـ ۲۴). به تعبیر قرآن کریم، چنین انسانی مصداق بارز آیهٔ ﴿فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ﴾ (معارج:۴۲) خواهد بود که منقطع از خداوند است و در جهت رسیدن به منافع مادی، کمترین اعتنایی به سعادت روح ندارد و تمام تلاش خود را در کسب جاه و مقام و مال و مکنت سپری می‌کند (همان، ص ۲۳ ـ ۲۴).

ازاین‌رو در علم فقه، از دو بعد، به بینش افراد توجه می‌شود: اول اینکه طرز تفکر هر فردی، منشأ رفتار اوست و دوم اینکه تفکر به‌خودی‌خود و منهای رفتار، نیت است که دارای ارزش و یا ضد ارزش معرفی می‌شود. بنابراین در نظر علم فقه، انسان منهای بینشی که منطبق بر شریعت الهی باشد، رفتاری خلاف جهت خلقت آدمی دارد و از تقرب به خداوند بازمی‌ماند؛ اما انسان باورمند به مالکیت حقیقی خداوند متعال، انسانی کمال‌گرا است و بر اساس قوت و ضعف بینش خود، رفتاری قریب یا بعید از سعادت و کمال را برمی‌گزیند.

۲ـ۲. منش

منـش در اصطـلاح یعنـی مجموعـه واکنش‌هـای رفتاری و گفتـاری مثبت یـا منفی که انسـان از روی اختیـار و آگاهـی در برابر کنش‌های بیرونی و درونـی از خود بروز می‌دهد (وطن‌دوست حقیقی مرند، ۲۰۱۸، ص۸). ازطرفی علم فقه در معنای گسترده و عام خود، یعنی علـم بـه همـه احکام و آنچـه مکلف در دو حوزه مـادی و معنوی انجـام می‌دهد یا ترک می‌کند (جمعی از مؤلفان، بی‌تا، ج۳۷، ص۱۲۸). همان گونه که از این دو تعریف نیز پیداست، فقیـه در پی این هدف اسـت که در حوزه عمل و منـش مکلفین، عینیت‌بخش اعمال آنها با مصالح و مفاسد حقیقی که در نظر خداوند است باشد تا از این رهگذر، مکلفین را بـه هـدف خلقـت یا همان تقرب به خداوند نزدیک سـازد. ازایـن‌رو فقه، در میان همه علوم، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار اسـت؛ زیرا هم رابطه این علم با تمامی اعمال انسـان از هر علم دیگری بیشـتر اسـت (همان، ج۱۵، ص۱۶۲) و هم اینکه با نظم بخشـیدن به امور زندگـی دنیایـی و اخروی آدمی و کشـف احکام در مقام تشـریع، از اوامر و نواهی شـارع پرده برمی‌دارد و انسـان را با نزدیک کردن به این عامل نجات، به سـمت سعادت ابدی راهنمایی می‌کند (حلی، ۱۴۲۰، ج۱، ص۴۰).

فقـه شـیعی با زیرسـاخت‌های قوی و محکـم خود و با اسـتفاده از روش‌هـا و منابع اسـتنباطی که حاصل تلاش هزاران فقیه اسـت، پاسـخ‌گوی تمامی نیازهای انسان امروز نیز خواهد بود. این پاسخ‌گویی تا جایی است که بین علم فقه و رفتار مکلف، رابطه‌ای دو سـویه برقـرار می‌کنـد و ازآنجاکـه موضوع احکام شـریعت، افعال مکلفین اسـت، اگر فعلـی در نظـر مردم در برهه‌ای از زمان ترک شـود و بـه عبارتی مبتلا به مردم زمانی خاص نباشد، ابواب فقهی هم در آن مورد، حجم کمتری می‌یابند و اگر مسئله‌ای نو، مورد فعل مکلفین قرار بگیرد، فقیه باتوجه‌به روش‌های منابع اسـتنباط، حکم شـارع را در آن مورد کشف خواهد کرد. به عبارتی، تمام اعمال و کردار مکلفین، موضوع قرار می‌گیرد و حکم آن، محمول است و در فقه با جزئیات کامل بیان می‌شود (محقق داماد یزدی، ۱۴۰۶، ج۱، ص۲).

ازاین‌رو گفته می‌شود علم فقه در تمامی ادوار زندگی بشر، کاشف از مصالح و مفاسد افعال و پاسخ‌گوی وجدان‌های بیدار بشر در مسیر سعادت کامل است.

۳. بررسی نقش زنان در ابعاد فقهی سبک زندگی

ارزشی که نظام اسلام برای جنس زن تعریف کرده است، در بین تمامی ادیان و فرهنگ‌های بشری، مسبوق به سابقه نیست. در دین اسلام، زن و مرد ترکیبی از جنس مذکر و مونث است و از حیث مادهٔ تشکیل‌دهنده بدن، هیچ‌کدام بر دیگری برتری ندارند. برخلاف آنچه که در برخی از ادوار گذشته مرسوم بوده است و زن را موجودی پست می‌شمردند و گاه در برخی ادوار تاریخ، جنس زن چنان مورد استثمار بود که همسان حیوانات قرار داشت و در شرایط سخت اقتصادی، از گوشت او استفاده می‌کردند (سلیمیان، ۱۳۷۹). بر اساس آنچه در برخی ادیان مرسوم بوده است، زن موجودی پست به شمار می‌رفت؛ چنان‌که در کتاب‌های تحریف‌شدهٔ یهود، زن نقص ذاتی دارد و هیچ‌گاه عامل نیکبختی نبوده است؛ بلکه همانند مرگ، برای آدمی تلخ و ناگوار است (توکلی، ۱۳۹۷). این در حالی است که در متون اسلامی که منبع علم فقه است، از نظر شئون اجتماعی و دخالت اراده و عمل، تفاوتی میان زن و مرد نیست و کسی که باتقواتر است در نزد خداوند گرامی‌تر است (حجرات:۱۳). همچنین طبق آیات قرآن کریم، مرد و زن در برابر آنچه که در اسلام حق شمرده می‌شود برابر هستند (یونس:۸۲). اما در نظام اسلام، بر اساس دو ویژگی‌ای که خداوند در وجود زن به ودیعه نهاده، نقش او در نظام خانواده، بر جنس مرد برتری یافته است. یکی از این ویژگی‌ها، وابسته بودن ادامه نسل آدمی بر وجود زن است و دیگری، رقت و لطافت وجود زن است که هم تربیت را آسان‌تر می‌کند و هم برای مرد جاذبه ایجاد می‌نماید تا دشواری‌های تشکیل خانواده را به جان بخرد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج۲، ص۴۰۶).

ازاین‌رو نقش زن در بینش و منش سازندهٔ سبک زندگی نه‌تنها از حوزه فردی فراتر رفته است و حوزه خانوادگی و اجتماعی را نیز دربرمی‌گیرد؛ بلکه نقش زنان در این

مؤلفـه، بیشـتر از نقـش مـردان خواهد بود. براین‌اسـاس، نقش زنان در سـه حـوزه فردی، خانوادگی و اجتماعی، قابل‌بررسی است.

۱ـ ۳. نقش زن دررابطه‌با خود

بر اسـاس متون اسـلامی، انسـان موجودی اسـت که بنابر اختیار خود می‌تواند جهان و فرشتگان را مسخر خود کند. ظرفیت عقل و خرد آدمی و سرشت و فطرت او به‌گونه‌ای اسـت کـه بـا انتخـاب راه درسـت می‌توانـد از عنصـر ملکوتـی و الهی خـود بهـره گیرد و کرامت ذاتی خود بر دیگر موجودات را به منصهٔ ظهور برسـاند (مطهری، بی‌تا، ج۲، ص۲۶۷). از یک‌سو در انسان سلسله میل‌ها و جاذبه‌های معنوی وجود دارد که او می‌تواند محدودهٔ فعالیت خود را فراتراز مادیات ببرد و به سمت و سوی معنویات سوق دهد و از سوی دیگر، انسان به نیروی عقل و اراده مجهز است و می‌تواند در برابر امیال نفسانی خود، مقاومت و ایسـتادگی نماید، تحت فرمان عقل برای آنها محدوده‌ای معین کند و ازاین‌رو حاکم بر امیال خود باشد و به این وسیله، به آزادی معنوی دست یابد (همان، ص۲۸۱)؛ آزادی‌ای که تمامی مکلفان، ازجمله زنان، در حوزه فردی و دررابطه‌با بینش و منش خاص خود، ملزم به دسـتیابی به آن هسـتند. مکلفان باید در راستای نیل به رضایت الهی، با کمک فرمان عقل خویش، به حکم الهی، که علم فقه کاشف از آن است، عمل کنند و بر خواسته‌های غیرالهی خود فائق آیند، راه سعادت را طی کنند و از این طریق، کرامت مد نظر قرآن کریم را کسب نمایند. خداوند در آیهٔ ۷۱ سورهٔ اسراء می‌فرماید: ﴿يَوْمَ نَدْعُوكُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا﴾. این آیه در زمینهٔ مورد عنایت قـرار گرفتـن انسـان‌ها از کرامت ذاتـی، تفاوتی بین آنها قائل نمی‌شـود و اگرچه این کرامت باعث به وجود آمدن حقوق و تکالیف خاصی برای انسـان‌ها در قبال یکدیگر می‌شـود، ولـی بنابـر دلایل علمـی و اخلاقی ویژه و نیز از دیدگاه ادیـان الهی، این کرامت به تنهایی دلیل ارزش و شرافت انسان نیست؛ بلکه تلاش و کوشش مستمر در راستای تصفیهٔ درون و انجـام تمـام تکالیف متوجه انسـان نیز ضـرورت دارد (جعفری تبریـزی، ۱۴۱۹، ص۱۶۱). این

شـرافت و ارزش اکتسـابی، تقوا نام دارد که نزد خداوند، ملاک برتری انسان‌ها از یکدیگر است: ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ (حجرات:۱۳).

در نظر فقها، تقوا صفتی اسـت که در نظر شـارع مقدس ممدوح اسـت و انسـان را از نافرمانـی خداونـد متعـال بازمی‌دارد و بهتریـن توشـهٔ آخرت شـمرده می‌شـود (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶، ج۲، ص۵۴۸). در راه کسب تقوا، زنان و مردان به ویژگی‌ها و استعدادهای یکسـانی مجهـز شـده‌اند و در ایـن راه، زنـان نیـز می‌تواننـد به‌گونـه‌ای عمل کننـد که به درجات بالای ایمان دست یابند.

بدیهـی اسـت آنچـه دو حوزه بینـش و منش زنان را تشـکیل می‌دهـد، در دایرهٔ تقوا وارد خواهد شد و مهم‌ترین نقش زنان دررابطه با خود، رعایت تقوا در آن حوزه‌هاست. اما خصوصیات انحصاری که به مقتضای نقش ویژه زن مسـلمان به او داده شـده اسـت، تقوای ویژه‌ای نیز می‌طلبد که مصادیق مختلفی همچون تقوا در پوشش، حیا و عفاف، تقوا در سـخن و لحن آن، تقوا در حفظ جسـم و روان و... دارد. در این میان می‌توان تقوا در پوشـش، حیـا و عفـاف را از مهم‌تریـن مصادیـق آن برشـمرد؛ چراکه آثـار فراوانی را به دنبـال دارد. طبـق فرمـوده خداونـد در قرآن کریم، رعایت تقوا در پوشـش و رفتـار بر زنان واجب است، آنجا که می‌فرماید: ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ﴾ (نور:۳۱) که حاکی از وجوب حجاب و عفاف بر زنان است (مغنیه، ۱۴۲۱، ج۱، ص۸۷). زنی که در پوشش خود، تقوا را رعایت کند، ارزش والای انسانی خود را خواهد یافـت و بـا حفظ جایگاه الهی خود، از گسـترش فسـاد و فحشـا نیز جلوگیـری می‌کند و بنیان خانواده را استحکام می‌بخشد (منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۲۷، ص۲۱۶).

از طرفی زن، آفریننده عشـق اسـت و عشق، آفریننده مرد و مرد، آفریننده تاریخ. ازاین‌رو زن در سـاخت تاریـخ، نقـش بسـزایی دارد. زن در ایفـای رسـالت خـود در سـازندگی تاریخ (تمدن‌سازی)، مدیون اخلاق ویژه خود، یعنی حیا و عفاف است. هر جا زن حیا را کنار نهاده و خود را به ابتذال کشانده، این نقش را هم از دست داده است (مطهری، بی‌تا، ج۱۹، ص۳۷۱).

بنابراین، جایگاه زن به‌گونه‌ای است که در مسیر زندگی اسلامی خویش، رعایت تقوایش نمود بیشتری در جامعه خواهد داشت و ازاین‌رو از اهمیت ویژه‌ای نیز برخوردار است. زنان جامعه به دلیل نقش تربیت‌محوری که دارند، در ایفای نقش فردی خود، با بعدی فراتر از فرد مواجه می‌شوند و بینش و منش فردی آنان، خواه ناخواه به حوزهٔ تربیت کشیده خواهد شد. ازاین‌رو رعایت پرهیزکاری در تمام زمینه‌های بینشی و منشی زنان، مورد توجه ویژه متون دینی و به‌تبع آن، علم فقه نیز خواهد بود که مسیر سبک زندگی مرضیّ خداوند را با استفاده از این متون روشن کرده است.

اینکه زنان به عقیده‌ای پایبندی کامل داشته باشند که حتی در ظاهر، مخالف حس آزادی آنان به نظر برسد و یا شخصیتی الهی به‌عنوان الگویی والا را بپذیرند و آن را به نسل‌های آینده معرفی کنند و مسائلی از این دست که در تعیین مسیر زندگی در خانواده، نمود کامل و بارزی خواهد داشت، وابسته به شناخت سبکی از زندگی است که خداوند متعال برای او برگزیده و علم فقه کاشف آن است. سبکی که بنابر فرموده رسول اکرم ﷺ بر نوزاد درون بطن مادر نیز تأثیر مستقیم دارد؛ چراکه «**الشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَ السَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ**» (ابن‌بابویه، ۱۳۹۸، ص۳۵۶). براین‌اساس، هسته اولیه‌ای که شقاوت و سعادت نسل آینده را تامین می‌کند، حاصل رعایت تقوا در بینش خواهد بود و با بروز آن در منش، نمودِ تقوا در رفتار را هم رقم خواهد زد.

۲ـ۳. نقش زن دررابطه با خانواده

در نظام اسلام، تشکیل خانواده از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و سبب آبادی خانه معرفی شده است؛ به‌گونه‌ای که امام صادق ؑ از قول جدّ بزرگوارشان، رسول خدا ﷺ نقل می‌کنند که فرمودند: «**وَ مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ بَيْتٍ يُعْمَرُ فِي الْإِسْلَامِ بِالنِّكَاحِ**» (کلینی، ۱۴۰۷، ج۵، ص۳۲۸). ازطرفی در متون روایی، زنان به‌عنوان خیر کثیر معرفی شده‌اند. امام صادق ؑ می‌فرمایند: «**أَكْثَرُ الْخَيرِ فِي النِّسَاءِ**» (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳، ج۳، ص۳۸۵ و حلی، ۱۳۸۸، ص۵۶۸). زنان از چندین جهت، خیر زیاد معرفی می‌شوند که

ازدیاد نسل و برقراری آرامش و سکون و همچنین تنظیم امور خانواده از آن جمله است (میرزای قمّی، ۱۴۱۳، ج۳، ص۱۲). ازاین‌رو نقش زن مسلمان در خانواده به‌عنوان همسر و مادر، متفاوت از نقش مرد به‌عنوان همسر و پدر خواهد بود.

۱ـ ۲ـ ۳. نقش زن به‌عنوان همسر

اساس و ریشه تشکیل اجتماع، خانواده است و قوام خانواده نیز به وجود زن خواهد بود. وقتی جامعه را خیر بدانیم، آن کس که اساس و ریشه خانواده است نیز مظهر بیشترین خیر خواهد بود (همان) و شکی نیست که مظهر خیر کثیر بودن، وظایفی را نیز بر آنها ثابت می‌کند.

از آیه شریفه ﴿وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ﴾ (بقره:۲۲۸) مشخص می‌شود که هرکدام از زن و مرد، نیروهای جسمی و روحی متفاوتی با یکدیگر دارند و وظایفی که بر عهده هرکدام نهاده شده است باید متناسب با این نیروها باشد تا عدالت مد نظر در آیه شریفه ﴿وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ﴾ (بقره:۲۲۸) برقرار گردد؛ چه اینکه لازمهٔ رسیدن هریک از آنها به حق خود این است که وظایفی متناسب با ساختمان روحی و بدنی‌شان بر عهده داشته باشند (داورپناه، ۱۳۷۵، ج۴، ص۲۶۰). ازاین‌رو در نظام خانواده، علاوه بر وظایف مشترک میان همسران، نقش‌هایی نیز به عهده زنان گذاشته شده است که نه‌تنها متفاوت از نقش مردان خواهد بود؛ بلکه گاهی اختصاص به زن داشته و از عهده مردان خارج است. از مهم‌ترین این نقش‌ها، تمکین خاص و آراستگی ظاهری، پذیرش قیمومت مرد و حمایت و پشتیبانی است.

الف) تمکین خاص و آراستگی ظاهری

بشر همواره دارای نیازها و امیالی است که از فطرت او سرچشمه می‌گیرد و اگر انسان این نیازها را به‌صورت هماهنگ پاسخ دهد، بر فطرت سالم خود که نقش اساسی در تربیت صحیح دینی دارد، باقی خواهد ماند (مطهری، بی‌تا، ج۲۱، ص۴۶۱). در این میان، نقشهٔ راه هماهنگی میان میل کامجویی جنسی با سایر امیال، تشکیل خانواده است.

باتوجه‌به اینکه در نظام اسلامی مهم‌ترین حقی که مرد بر همسر خود دارد، حق تمتع جنسی است و خداوند با فرمان ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ﴾ (النساء:۳۴) بر زنان واجب کرده است که در قلمرو قوامیت مرد، مطیع او باشند و به همین حکم، باید درخواست مرد برای همخوابی را اجابت کنند و خود را در اختیار او قرار دهند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج۴، ص۱۸۲). براین‌اساس، زن مسلمان نباید نسبت به این حق سرنوشت‌ساز بی‌تفاوت باشد. ساده‌انگاری یا ادای ناقص این حق، اثرات مخرب روانی و حقوقی بر جای می‌گذارد که ناهنجاری‌های اجتماعی و عدم برخورداری زن از حقوق کامل خود در خانواده، از آن جمله‌اند (ممیز، ۱۳۸۴، ص۱۰۷).

در اسلام، یکی از اهداف اصلی از چنین حقی نیز تولیدمثل و تربیت فرزند است. از رسول اکرم ﷺ نقل است که فرمودند: «تَنَاكَحُوا تَنَاسَلُوا أُبَاهِي بِكُمُ الْأُمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَه» (نوری، ۱۴۰۸، ج۱۴، ص۱۵۳ و مجلسی، ۱۴۰۳، ج۴۴، ص۱۶۹) و اهداف دیگری که برای این موضوع در نظر گرفته می‌شود. بنابراین به جرئت می‌توان گفت بسیاری از حقوقی که شریعت اسلام برای زوج در نظر گرفته، در راستای پیشگیری از زایل شدن این حق است. از آن جمله، آراستگی ظاهری که در متون دینی بر حفظ آن از جانب زن تاکید فراوان شده است (ممیز، ۱۳۸۴، ص۱۰۷) و زنی که برای شوهر خود آرایش کند و خود را از غیر شوهر بپوشاند، از بهترین زنان شمرده می‌شوند. حضرت رسول اکرم ﷺ فرمودند: «إِنَّ مِنْ خَيْرِ نِسَائِكُمُ الْمُتَبَرِّجَةَ مَعَ زَوْجِهَا الْحَصَانَ مَعَ غَيْرِهِ» (قمی، ۱۴۱۳، ج۳، ص۳۸۹). همچنین احکامی چون وجوب اجازه از شوهر برای خروج از منزل در غیر واجبات (موسوی خمینی، ۱۴۲۲، ج۳، ص۱۵۲) و یا لزوم اجازه برای گرفتن روزهٔ مستحبی نیز از آن جمله‌اند (همان، ج۱، ص۹۶۵).

در نظر دین اسلام، اهمیت ارضای امیال در چهارچوب تعیین‌شده از سوی شارع به حدی است که امام صادق علیه‌السلام، اختیار همسر را به‌عنوان تکمیل‌کنندهٔ نیمی از دین انسان معرفی کرده و فرموده‌اند: «مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِه» (میرزای قمّی، ۱۴۰۹، ج۳، ص۳۸۳) و زنی که این حق شوهر خود را به‌درستی ادا کند، به‌عنوان بهترین زنان شمرده می‌شود (همان، ص۱۶).

وقتی زن و مرد با نگاه اسلامی ـ انسانی که دربردارندهٔ همه ابعاد دینی و انسانی آنهاست، وارد زندگی مشترک شوند، زندگی‌شان زمینه‌ای برای رشد معنوی خواهد بود که زمینه‌ساز رشد مادی است و به سعادت دنیوی و اخروی دست می‌یابند (فضل‌الله، ۱۳۸۳، ص۱۵۲). ازاین‌رو زن مسلمان باید برای انجام این مسئولیت مهم با در نظر گرفتن تقوای بینشی خود، مسیر مشخص‌شده در فقه اسلامی را طی کند و با به‌کارگیری هنرمندانهٔ ویژگی‌های خاص خود، این نیاز طبیعی و خدادادی همسر خویش را پاسخ دهد تا در جهت نیل به هدف اصلی از ازدواج، روابط در نظام خانواده نیز تحکیم یابد.

ب) قیمومت مرد

در نظر اسلام، توانایی‌ها و ویژگی‌های جسمی و روحی خاص هرکدام از زن و مرد، اگر تنها در زندگی دنیایی مورد استفاده قرار گیرند و وسیله کسب مقامات معنوی نباشند، کوچک‌ترین ارزشی نخواهند داشت و اگر به‌عنوان وسیله‌ای در جهت تقرب به خداوند باشند نیز به‌خودی‌خود فضیلتی بر دیگری ندارند و تنها وسیله‌ای برای حرکت در مسیر هدف خلقت خواهند بود. یکی از این توانایی‌های تکوینی که خداوند به جنس مردان بخشیده، روح تعقل در برابر احساسات و طبع لطیف زنانه است. اما این به معنای برتری و ملاک بالاتر بودن مرد بر زن نیست؛ بلکه معیار برتری واقعی، همان گونه که اشاره شد، تقواست (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج۴، ص۳۴۳).

روح تعقل، همان ویژگی ممتازی است که مرد به آن مجهز شده است تا به بعضی ضروریات اجتماع، مانند رهبری، حکومت، قضاوت و جنگ بپردازد؛ آن هم بدون اینکه کوچک‌ترین خدشه‌ای به ذات لطیف زن وارد شود (همان). در فقه شیعی، به سبب همین روح تعقل که مد نظر آیهٔ ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ﴾ (نساء:۳۴) است، حقی برای شوهران و در قبال آن، وظیفه‌ای بر عهده زنان گذاشته شده است که زن در مقام یک همسر موظف است نسبت به شوهر خود ادا کند. این حق، قیمومت نام دارد. بنا بر این حق، زنان موظفند همواره در مسائلی که به تمتع شوهر خود مربوط می‌شود، اطاعت

محض داشته باشند و در نبود آنان هر چیزی را که حقشان محسوب می‌شود حفظ کنند تا به مقام «صالحات» و «قانتات» که در ادامه آیه مطرح شده است دست یابند. اما باید توجه داشت که قیمومت به دلیل هدفی والا، تنها در اموری که حق شوهر است، خلاصه می‌شود و باتوجه‌به ادامهٔ آیهٔ ۳۴ سورهٔ نساء که می‌فرماید: ﴿بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ﴾ این حق، نوعی حق تکوینی است و نشان از کرامت ذاتی جنسی بر جنس دیگر نیست (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵، ج۴۲، ص۵۳). ازاین‌رو باید در نظر داشت که قیمومت، تنها در برابر شوهر معنا پیدا می‌کند نه وظیفه زن در قبال جنس مردان و همچنین این حق، در دایرهٔ اصول خانواده است. یعنی گاهی به صلاحدید زوجین، این حق و مدیریت، به دیگری واگذار می‌شود و ممکن است تدبیر و اداره خانه به عهدهٔ زن نهاده شود و این موضوع کاملاً منطبق بر احکام شرعی اسلامی است (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص۳۹۴).

بنابراین، زنان جامعه در راه نیل به کمالات معنوی و سعادت اخروی، باید نسبت به قیمومت مردان، بینشی صحیح داشته باشند و در منش خود آن را پیاده کنند. این تفکر که شاکلهٔ مرد با دارا بودن خصوصیت قوت، شدت و غلظت خود می‌تواند اموری از اجتماع را به سرانجام برساند که از عهدهٔ دیگری خارج است، و شاکلهٔ زن نیز با نیروی لطافت، ظرافت و زیبایی خود قادر به انجام مسائلی است که دیگری از انجام آن ناتوان است، می‌تواند محرک ایجاد منش و رفتاری قاعده‌مند باشد که در چهارچوب نظام اسلامی بگنجد. منشی که احقاق حق قیمومت مرد را با هدف جلب رضایت خداوند دنبال می‌کند و زن با این تفکر، در غیاب مرد با جان و دل و با رضایت قلبی، حافظ عفت و مالی است که به او سپرده شده است.

ج) حمایت و پشتیبانی

در ایدئولوژی اسلامی، زن و مرد مکمل یکدیگر هستند و حمایت و پشتیبانی هریک از زن و شوهر توسط دیگری، نقش بسیار مهم و سازنده‌ای در ایجاد تکامل طرفین در خانواده ایفا می‌کند. حمایت به معنای اعانت، تقویت و دستگیری (دهخدا، ۱۳۸۵ـ

۱۳۹۰، ج۱، ص۱۰۴۵)، از وظایف مشترک همسران به شمار می‌رود، ولی بنابر نیازهای متفاوت هریک از آنها نسبت به دیگری، حوزه‌های متفاوتی را نیز دربرمی‌گیرد.

زن از قوه و استعداد فوق‌العاده‌ای برخوردار است که با آگاهی و تقویت آنها می‌تواند خانه را به محیطی بهشت‌گونه تبدیل کند. او می‌تواند با انجام وظایفی که خداوند بر عهده‌اش گذاشته است، همسر خود را به اوج ترقی برساند. انجام وظایف زنانهٔ همسری، چنان پیچیده و درعین‌حال همراه با ترقی معنوی برای زن است که در احادیث، هم‌ردیف جهاد مردان ذکر شده است. امیرالمؤمنین حضرت علی علیه‌السلام در این باره می‌فرمایند: «وَ **جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعُّلِ**» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج۱۵، ص۲۳ و طریحی، ۱۳۷۵، ج۵، ص۳۲۲).

دانشمندان غربی نیز در این زمینه معتقدند که زن قدرت عجیبی دارد و با تقوا و کدبانویی خود می‌تواند سردترین خانه‌ها را به محیطی گرم و روح‌بخش تبدیل کند (امینی، ۱۳۸۹، ص۲۶)؛ قدرتی که بانوان با کمک آن می‌توانند مایه سکون و آرامش مرد شوند و با زیبایی و کرشمه و با رحمت و مودت خود، دل مردان را به خود جذب کنند و هسته اولیه اجتماع، یعنی خانواده را شکل دهند و در ادامه نیز محیطی امن و همراه با آرامش فراهم آورند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج۴، ص۲۱۶ ـ ۲۱۷).

نقش حمایت و پشتیبانی در خانواده، محدودهٔ بسیار گسترده‌ای دارد. حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، مؤلفه‌های این حمایت را چنین برمی‌شمرند: «**لِلرَّجُلِ عَلَى الْمَرْأَةِ أَنْ تَلْزَمَ بَيْتَهُ وَ تَوَدَّدَهُ وَ تُحِبَّهُ وَ تُشْفِقَهُ وَ تَجْتَنِبَ سَخَطَهُ وَ تَتَّبِعَ مَرْضَاتَهُ وَ تُوفِيَ بِعَهْدِهِ وَ وَعْدِهِ وَ...**» (نوری، ۱۴۰۸، ج۱۴، ص۲۴۴). طبق این روایت، ملازم بودن زن و محبت دلسوزی برای همسر و وفاداری به پیمان و وعده او، از حقوق مرد بر همسر خویش شمرده شده است. همچنین امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام نیز در آغاز زندگی زناشویی خود، حضرت زهرا علیهاالسلام را به‌عنوان بهترین همسری معرفی کردند که با کمک او می‌توان خداوند را اطاعت نمود و در مورد ایشان فرمودند: «**نعم العون على طاعة الله**» که جمله‌ای کوتاه، ولی بسیار پرمحتواست. در این جمله، هدف ازدواج را کمک گرفتن از همسر برای اطاعت از خدا بیان کرده و

همسرشـان، زهرا علیها السلام، را به‌عنوان بهترین مصداق برای توفیق در این امر مهم دانسـته‌اند (پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله امینی، ۱۳۶۹). بر کسی پوشیده نیست که چنین مؤلفه‌هایی نیازمند کسـب آگاهی لازم، ذوق و سـلیقه، زیرکی و کسـب مهارت اسـت. زنی که حامی همسر خود اسـت سـعی می‌کند ایـن حمایـت را در تمامی ابعاد زندگی زناشـویی پیـاده کند. چنین زنی، شیوهٔ صحیح رفتار را می‌آموزد، همسر خود را به کارهای نیک سوق می‌دهد و زمینهٔ لازم آن را فراهم می‌کند، همواره توانایی همسر خویش را در برآورده کردن نیازهای او در نظر می‌گیرد، با تقویت حس رضایتمندی در همسر خود، باورهای غنی انسانی را در او تقویت می‌کند، از همسر خود انسانی قوی در نظر دیگران می‌سازد و... تا سرپرستی قوی برای خانواده و پدری مقتدر برای فرزندان خود داشته باشد (امینی، ۱۳۸۹، ص۲۷).

۲ـ۲ـ۳. نقش زن به‌عنوان مادر

گردش چرخ اجتماعات بشری به عهده مادر است. مادر با انسانی سروکار دارد که اولین گام را به این دنیا گذاشته و علاوه بر خصوصیات جسمی، خصوصیات روحی و روانی و اخلاقی‌اش نیـز در گـرو تربیت اوسـت. اصالت و انسـانیت انسـان و ترقـی و تکامل و یـا رکـود و عقب‌ماندگی اجتماعات بشـری، با شـیوه و روش پرورش مـادران آن اجتماع، رابطـهٔ مسـتقیم دارد. تمامی مراحـل تربیتی و فرهنگی در جامعه، بعـد از تربیت مادرانه معنا پیدا می‌کند و اولین قدم تربیت کودک، توسط مادر برداشته می‌شود و دیگر مراکز، در مراحل بعدی قرار دارند. ازطرفی مسـئولیت انسان‌سـازی، مسئولیتی دامنه‌دار است کـه دامنـهٔ آن به‌انـدازهٔ طول زندگی فرزندان و نحـوهٔ رفتار و منش و تأثیر به‌جای‌گذاشـته در جامعه، کشـیده خواهد شـد و این رمز جاودانه بودن مادر اسـت که امام خمینی رحمه‌الله فرمودنـد: از دامـن زن، مـرد به معراج می‌رود (دشـتی، ۱۳۸۱، ص۹۶ـ ۹۷ و ۹۹). گرچه از دیدگاه فقه اسلامی، در مدت زندگی مشترک والدین، حضانت کودک بر عهده آن دو به‌صورت مشترک است (میرزای قمی، ۱۴۱۳، ج۴، ص۲۹۳)، اما امام خمینی رحمه‌الله معتقدند که نقش و تأثیر زن، بالاتراز مرد اسـت؛ زیرا بانوان علاوه بر اینکه خود یک قشـر فعال در جامعه هستند،

دیگر اقشار فعال را تربیت می‌کنند و خدمت مادر به جامعه از خدمت همه کس بالاتر است (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج۱۴، ص۱۹۷). در این مقال، برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های آن بررسی می‌شود.

الف) شیردهی

گرچه در احکام فقهی، شیر دادن مادر به فرزند، بدون اسباب وجوب، مستحب است (سیوری حلّی، ۱۴۲۵، ج۲، ص۲۳۱)، اما در روایات بی‌شماری، بهترین تغذیه کودک، شیر مادر عنوان شده است. امیرالمؤمنین امام علی علیه‌السلام در این باره می‌فرمایند: «مَا مِنْ لَبَنٍ يُرْضَعُ بِهِ الصَّبِيُّ أَعْظَمَ بَرَكَةً عَلَيْهِ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج۶، ص۴۰). ازنظر علمی نیز ملکات اخلاقی و چگونگی زندگی مادر، توسط شیر به کودک منتقل می‌شود و دانش نوین، کیفیت اخلاق و خصوصیات کودک را شدیداً وابسته به مادر می‌داند. یکی از دلایلی که قرآن کریم و روایات، حق مادر بر فرزند را بیشتر از حق پدر می‌دانند، شیر دادن مادر است. این عمل، تنها تغذیه نیست؛ بلکه تبادل عاطفی و تقویت روحی است (دهقان، ۱۳۸۶، ص۲۶ ـ ۲۷ و ۲۹).

در این مسئله شکی نیست که احساسات، عقاید و افکار مادر، در سرشت کودک جای می‌گیرد و در اعمال و افکار او منعکس می‌شود. هرچه مادر در حالات روحی و معنوی خود دقت کند، به همان اندازه، تأثیر مثبت این توجه در طول زندگی فرزند با اوست. فرزندان دیندار و دانشمند در دامان مادران نیک‌سرشت و دانا پرورش یافته‌اند. ازاین‌رو در متون دینی، علاوه بر مهم شمردن بدن سالم، حالات روحی و جسمی مادر نیز اهمیت بسزایی دارد. مادر باید علاوه بر دقتی که در غذای خود ازنظر مادی و ویتامین‌ها دارد، در حلیت آن نیز توجه لازم را داشته باشد تا شاکلهٔ کودک او بر حرام شکل نگیرد (ابن‌بابویه، ۱۳۷۷، ج۲، ص۱۵).

بنابراین، مادران مسلمان در راستای قدم برداشتن در مسیر سبک زندگی اسلامی باید با عمل به احکام فقه اسلامی و رعایت تقوا در بینش و منش خود در دوران

شیردهی، اولین گام در مسیر تربیت فرزند را در جهت تقویت روحیهٔ معنوی او بردارند.

ب) تربیت

مادر وظیفه‌ای دارد که به حکم قانون اسلامی که در فطرت انسان ریشه دارد، شریف‌ترین و بااهمیت‌ترین وظایف است و آن تربیت است. وظیفهٔ مادری، قابل واگذاری به غیر نیست و این مسئولیت را دولت و یا ارگان‌های دیگر نمی‌توانند انجام دهند. رمز مهر مادری و لذت مادر بودن، در وظیفه‌ای است که خلقت بر عهدهٔ مادر نهاده است.

لذت تشکیل خانواده و علاقهٔ انسان‌ها به لذت خاص خانوادگی، ناشی از اتحاد دو روح است که در این نهاد ایجاد می‌شود و بنابر حکم نظام طبیعت، این اتحاد در جهت پرورش و تربیت فرزند شکل می‌گیرد و این غیر از علاقه جنسی است (یوسفیان، ۱۳۸۶، ص۳۱)؛ لذا خداوند متعال در این زمینه می‌فرماید: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾ (روم:۲۱). براین‌اساس، قرآن هدف از تشکیل خانواده را مودت، رحمت، سکون و آرامش معرفی کرده که تشکیل‌دهندهٔ محیطی امن برای تربیت نسل انسان است (مطهری، بی‌تا، ج۱۹، ص۱۸۳).

در نظام اعتقادی اسلام، مهم‌ترین شیوهٔ تربیتی فرزندان، شیوه‌ای است که آنان را هرچه‌بیشتر به سمت معنویات معرفی‌شده در دین سوق دهد و از آتش دوزخ دور کند. طبق آیه شریفهٔ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ﴾ (التحریم:۶) مؤمن باید خانوادهٔ خود را نیز در رعایت معنویات مراقبت کند و قدر متیقن از ﴿أَهْلِيكُمْ﴾، فرزندان هستند. آموزش مناسک و عبادات و حس پرستش و مناجات با خداوند به فرزندان، بارزترین مصداق این شیوهٔ تربیتی است. بنابر فرمودهٔ امام سجاد علیه‌السلام، والدین باید در راه عبادت خداوند به فرزندان کمک کنند. آموزش شیوهٔ تفکر الهی که منش الهی را نیز در پی دارد و همچنین آموزش مناسک دینی و رفتار منطبق بر دین که دانش فقه تربیتی به دنبال آن است، ازجمله مصادیق این یاری است (اعرافی، ۱۳۹۵، ص۶۰ـ۶۱).

پرواضح است که مادران در راستای پیاده‌سازی سبک زندگی اسلامی، باید ابتدا خود با این سبک آشنا باشند، سپس اقدام به شناساندن آن به فرزندان خود کنند. بنابراین، در مکتب الهی، تربیت فرزند همواره مایهٔ رشد و ترقی خود مادر نیز می‌شود (مظلومی، ۱۳۸۸، ص۴۵). اگر زنان ما ازنظر رتبهٔ معرفتی و بینش و معلومات، خود را ارتقا دهند، نقش آنها با هیچ نقش دیگر و با هیچ مؤثر دیگری از مؤثرات اجتماعی و فرهنگی قابل‌مقایسه نیست. آنکه بهشتی می‌شود، پایهٔ بهشتی‌شدنش مادر است. مادر است که تمدن و ویژگی‌های یک تمدن را با جسم و روح خود و با خلق و خوی خود، دانسته یا ندانسته به فرزند منتقل می‌کند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵، ج۲، ص۷۲).

در کنار مراقبت بر انجام اعمال فردی و آموزش تقوای بینشی و منشی به فرزندان، معرفی الگوی مناسب الهی و بزرگ جلوه دادن آن در نظر فرزند، و مراقبت دائمی بر رفتار و گفتار کودک در آموزش سبک زندگی اسلامی به او، کشف نسبی استعدادهای فرزند، در کنار عشق ورزیدن به او و دعا و توسل، در زندگی به شیوهٔ مرضی خداوند راهگشا خواهد بود.

۲ـ۳. نقش زن دررابطه با اجتماع

یکی از سرمایه‌های هر اجتماع، جمعیت آن است. نیمی از افراد جامعه را نیز زنان تشکیل می‌دهند. ازاین‌رو برای پیشرفت اجتماع لازم است زنان نیز به‌اندازهٔ توانایی‌ها و وظایف خود در خانواده، وارد اجتماع شوند و به پیشبرد اهداف اجتماع اسلامی یاری رسانند.

قرآن کریم در آیه ۳۳ سوره احزاب می‌فرماید: ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ﴾. اگرچه این آیه کریمه خطاب به زنان مکرم پیامبر اکرم ﷺ است، اما حکم شریعت اسلام در مورد وظیفه تمامی زنان در قبال خانواده را بیان می‌فرماید که رعایت و محافظت سلامت خانواده است؛ چراکه ازنظر اسلام، اگر خانواده سالم بماند، اجتماع هم سالم خواهد ماند و اگر خانواده دچار فساد شود، جامعه به فساد کشیده خواهد شد. ازاین‌رو مسئولیت اول زنان را اداره، صیانت و محافظت از کیان خانواده بیان می‌کند. البته این به معنای

عـدم جـواز حضور زنـان در اجتماع نخواهد بود؛ بلکه به این معناسـت کـه اولویت اول زنان، حضور در محیط خانه است تا به‌راحتی وظایف خود در قبال اعضای خانواده را تامین کنند و از این راه، نشاط جسمی، روحی و معنوی خود را نیز تامین نمایند (جمعی از مؤلفان، بی‌تا، ج۳۶، ص۶۱).

با نگاهی گذرا به احکام مطرح‌شـده برای بانوان نیز می‌توان این دیدگاه را تأیید کرد. احکامی مانند دادن ثواب نماز در مسجد، به زنی که در خانه خود نماز می‌گذارد (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳، ج۱، ص۳۷۴) و یـا دادن ثـواب جهـاد فـی سـبیل الله بـه زنـان با حسـن تبعّـل و خوب همسـرداری کـردن که با حضور او در خانه معنا می‌یابـد و یا احکامی مانند جواز یا عدم جـواز واگـذاری منصـب قضا به زنان که مورد بحث فقها واقع شـده اسـت و در این بین، برخی فقیهان بزرگ، همچون شیخ طوسی و صاحب جواهر، حکم به عدم جواز کرده‌اند (جمعی از مؤلفان، بی‌تا، ج۳۶، ص۶۱). این نکته حائز اهمیت است که نوشتار حاضر، به دنبال بیـان نظـرات مختلف در این زمینه نیسـت، اما دلایـل قائلین بر عدم جـواز نیز می‌تواند مؤیـدی بـر اولویت داشـتن انجام وظایف در خانواده بر اجتماع باشـد. شـیخ طوسـی در ایـن بـاره معتقد اسـت که «باتوجه‌به اینکه قضاوت منصب شـرعی اسـت، بـرای اثبات کسـی که صلاحیت آن را دارد نیز باید دلیل داشـته باشـیم و دلیلی بر صلاحیت زنان بر قضاوت موجود نیسـت». ایشـان در بیان یکی از حکمت آن، به حدیثی از نبی اکرم ﷺ اشاره می‌کند که منصب قضاوت، باعث شنیده شدن صدای زن توسط مردان می‌شود (طوسی، ۱۴۰۷، ج۶، ص۲۱۳). صاحب جواهر، صرف وجود شک در عدم صلاحیت قضاوت بـرای زنـان را در ایـن مورد کافی می‌داند تا جوازی برای سـپردن این منصب به زنان وجود نداشته باشد و در جست‌وجوی حکمت این ممنوعیت چنین می‌فرماید: «این منصب بـه دسـت نمی‌آیـد مگر اینکه زنان به مجالسـت با مـردان بپردازند و یا صـدای خود را در بیـن مـردان بلند کنند» (نجفی، ۱۴۰۴، ج۴۰، ص۱۴). به عبارتی، صاحب جواهر با این بیان، بر ممدوح بودن حضور بیشتر زن در خانه نسبت به حضور او در اجتماع صحه می‌گذارد.

اگر حقوق زن در همه کارهای اجتماعی و مشاغل، مشابه مردان در نظر گرفته شود و بدون توجه به توانایی‌های جسمی و روحی ویژهٔ او، انتظار رود تا همانند مرد در جامعه حضور داشته باشد، این مسئله، لگدکوب کردن روح لطیف و ظرافت جسمی زنانه است. شکی نیست که قرن حاضر، بسیاری از تضییع حقوق زنان را کاهش داده، اما حقوقی دیگر را از او سلب کرده است. قرون گذشته، انسان بودن زن را نادیده می‌گرفتند و در قرن حاضر، موقعیت طبیعی و فطری، رسالت، تقاضاهای غریزی و استعدادهای ویژه‌اش و به‌طورکلی زن بودن زن به فراموشی سپرده شده است؛ درحالی‌که در نظر اسلام، توجه نکردن به فطرت و طبیعت زن است که موجب پایمال شدن حقوق اوست.

در ایدئولوژی اسلامی، زن و مرد همانند دو ستاره‌اند که هرکدام باید در مدار خود حرکت کنند. تساوی حقوق، زمانی سودمند است که هیچ‌کدام از مدار فطری خود خارج نشوند. ازنظر فقه شیعی، حقوق، دائرمدار عدل هستند و پایهٔ حقوق فطری و طبیعی، عدالت است (مطهری، بی‌تا، ج۱۹، ص۱۳۲ـ۱۳۹). بنا بر آیهٔ ﴿وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ﴾ (بقره:۲۲۸)، در فقه مسلمانان، حقوق اجتماعی زنان و مردان، با در نظر گرفتن اشتراک و تساوی این دو قشر در انسانیت، به‌صورت تناسبی و نه تشابه معرفی می‌شود که تمام ابعاد شخصیتی، جسمی و روحی زن را در نظر داشته و به دنبال تعالی انسان است. در این میان، گرچه زنان و مردان در ساختار بدنی و روحی خود باهم تفاوت دارند، اما این مسئله باعث ظلم به یکی از این دو نشده است؛ زیرا بر اساس عدالت، هرکدام حقی متناسب با آفرینش خود خواهند داشت (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج۲، ص۲۷۵).

بنابراین، اسلام حضور زن در جامعه و نحوهٔ ارتباط او با مردان را منوط به موازینی می‌داند که لازمهٔ فعالیت زن و حضور او در اجتماع و پایبندی به این موازین است (منصوری لاریجانی، ۱۳۷۶، ص۲۲)؛ موازینی همچون حفظ حیا و حجاب، عفت و پاکدامنی و... که در احکام شرعی اسلامی بیان شده است.

پوشش و حجاب زن در اجتماع، همان طور که اشاره شد، به دلیل آثار قابل‌توجهی

که به همراه دارد، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تقوا به شمار می‌رود. ازجمله اینکه سبب عفت و پاکدامنی او می‌شود و هم از آلوده شدن خود زن به فساد و ابتذال جلوگیری می‌کند و هم مانع گسترش فساد در جامعه می‌گردد. زنی که با پرهیزکاری خود، به حفظ حجاب و عفت همت می‌گمارد، شخصیت الهی خود را حفظ می‌کند و خود را وسیلهٔ هوس‌رانی مردان قرار نمی‌دهد و ارزش خود را تا حد یک کالای ابزاری و دکوری پایین نمی‌آورد (منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۲۷، ص۲۱۴). خداوند متعال در مقام بیان این شرایط، حضرت مریم علیها السلام را به‌عنوان الگویی برای زنان باایمان معرفی می‌کند و خصوصیات این بانوی بزرگ را چنین برمی‌شمرد: ﴿وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا﴾ (تحریم:۱۲).

ازنظر اسلام، زن این حق را دارد که به‌عنوان یک نیروی تأثیرگذار در اجتماع ظاهر شود و این تأثیرگذاری مطلوب است تا زمانی که نهاد خانواده، به‌عنوان عنصر اصلی اجتماع، مختل نشود؛ یعنی تلاش زنان در اجتماع باید به گونه‌ای باشد که استحکام بنای خانواده را تحت تأثیر قرار ندهد (خامنه‌ای، ۱۳۸۵، ج۱، ص۵۲). ازاین‌رو لازم است تا زنان مسلمان باتوجه‌به عنصر مهم تقوا در بینش و منش و با رعایت موازین مطرح‌شده در شرع، در اجتماع حضور یابند و به ایفای نقش بپردازند تا به روند پیشرفت جامعهٔ خود سرعت ببخشند و زمینهٔ لازم برای ایجاد تمدن نوین اسلامی را فراهم سازند. بااین‌وجود، در این مسیر لازم است توجه ویژهٔ خود را به عنصر ابتدایی اجتماع، یعنی خانواده، معطوف کنند تا بدون کوچک‌ترین آسیب به این هستهٔ اولیه و مهم اجتماعات بشری بتوانند سلامت جامعه را نیز تضمین کنند.

نتیجه‌گیری

فقه شیعی در بیان سبک زندگی اسلامی مد نظر بیانیهٔ گام دوم انقلاب، تنها به حوزهٔ رفتار بسنده نکرده است و حوزهٔ بینشی و گرایشی مکلفین را هم تعیین می‌کند تا جایی که اعتقاد داشتن به مسائلی همچون توحید، نبوت، امامت و معاد را واجب می‌داند. انسان باورمند به چنین حقیقتی، در تمامی اعمال و رفتار خود، هدف را فراموش

نمی‌کند و به‌گونه‌ای عمل می‌کند که تامین‌کنندهٔ سعادت او باشد و در حالت تزاحم بین خواسته‌های جسم و سعادت روحانی، جانب روح را مقدم می‌کند. زنان نیز از این قاعده مستثنا نیستند. زنی که معتقد به معاد باشد و زندگی فانی دنیایی، هدف غایی او نیست، در پذیرش مسئولیت‌ها و وظایف محول‌شده به او، با کمال فروتنی برخورد می‌کند؛ چراکه خود را در پیشگاه پروردگار حاضر می‌بیند و این تواضع را در مقابل او می‌داند نه در مقابل انسان دیگر.

در بینش فقهی، چنین زنی باید در راستای نیل به رضایت خداوند و با کمک فرمان عقل خویش، به حکم الهی که علم فقه کاشف از آن است، عمل کند و بر خواسته‌های غیرالهی خود فائق آید. بر همین اساس، راه سعادت را طی کند و از این طریق، کرامت مد نظر قرآن کریم را کسب نماید و در حوزهٔ فردی خویش، خداوند را همیشه شاهد و ناظر ببیند و در بینش و منش خود تقوا را لحاظ کند.

ایدئولوژی فقه شیعی، وظایف زن مسلمان را در حوزه‌های خانوادگی و اجتماعی نیز معین کرده است. در حوزهٔ خانواده و در قبال همسر بیان می‌دارد که باتوجه‌به اینکه در نظام خانواده، علاوه بر وظایف مشترک میان همسران، وظایفی چون حسن خلق، توجه به حفظ اسرار و اموال مرد در حضور و غیاب او، حفظ جایگاه پدر در خانواده و تمکین خاص و آراستگی ظاهری و پذیرش قیمومت مرد، به عهده زنان گذاشته شده که از یک‌سو متناسب با ساختار جسمی و روحی زنان بوده و از عهده مردان خارج است و از سوی دیگر، رعایت این حقوق، به تحکیم روابط میان اعضای خانواده منجر می‌شود، زنان مسلمان باید با انجام این مسئولیت‌ها، محیطی امن و توأم با آرامش مهیا کنند تا هم از دیگر حقوق خویش به طور کامل بهره‌مند گردند و هم زمینهٔ سعادت و کمال خود و سایر اعضای خانواده را ایجاد کنند.

در قبال فرزندان نیز باید در مرحلهٔ اول، با شیردهی کامل و حفظ حلیت غذای مصرفی و همچنین رعایت تقوا در منش و بینش خود، روح تقوا و حرکت به سمت

خداوند را در فرزندان نهادینه سازند و در مراحل بعد، با آموزش مسائل اعتقادی، احکام و مناسک اسلامی و همچنین معرفی الگویی درست، تربیت دینی را به‌صورت صحیح انجام دهند.

در حوزهٔ اجتماع نیز باید در وهلهٔ اول با رعایت عفت و تقوا، جامعه را از ویژگی پاکدامنی خود برخوردار سازند. سپس باتوجه‌به متناسب بودن حقوق زن و مرد، با نیروی لطافت، ظرافت و زیبایی خود، به انجام مسائلی بپردازند که دیگری از انجام آن ناتوان است و با توجه ویژه و خاص خود به خانواده، این عنصر مهم را از هر آسیب و گزندی حفظ کنند. بدین‌ترتیب، مسیر پرفرازونشیب ساخت تمدن نوین اسلامی را پایه‌ریزی کنند. آنها در این مسیر می‌توانند زنان اسوه در تاریخ را الگوی راه قرار دهند و همواره در این مسیر قدم بردارند. در این میان، می‌توان به زنانی همچون حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، به‌عنوان نمونه بارز یک انسان کامل و نیز زنان مطرح‌شده در قرآن کریم و روایات، ازجمله حضرت خدیجه علیها السلام و حضرت مریم علیها السلام و بانو آسیه، همسر فرعون و دختران حضرت شعیب علیه السلام و مادر حضرت مریم علیها السلام اشاره کرد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن‌بابویه، محمدبن‌علی (۱۳۷۷ش)، **خصال**: ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران: کتابچی.

۲. ـــــــــ (۱۳۹۸ش)، **توحید**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۳. ـــــــــ (۱۴۱۳ق)، **من لایحضره الفقیه**، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۴. ابن‌عباد، اسماعیل (۱۴۱۴ق)، **المحیط فی اللغه**، تحقیق و تصحیح: محمدحسن آل‌یاسین، چاپ اول، بیروت: عالم الکتاب.

۵. اعرافی، علیرضا (۱۳۹۵ش)، **تربیت فرزند با رویکرد فقهی**، چاپ دوم، قم: مؤسسه اشراق و عرفان.

۶. ـــــــــ (بی‌تا)، **درآمدی بر اجتهاد تمدن‌ساز**، قم: مؤسسه اشراق و عرفان.

۷. امینی، ابراهیم (۱۳۶۹ش)، «بانوی نمونه اسلام فاطمه زهرا علیها السلام»، **پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله امینی**، https://www.ibrahimamini.com

۸. ـــــــــ (۱۳۸۹ش)، **همسرداری**، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۹. انصاری، مرتضی (بی‌تا)، **فرائد الاصول**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۰. بنیاد فرهنگ و اندیشهٔ اسلامی (۱۳۹۸ش)، **فصول هدایتگری**، بی‌جا: دفتر نشر معارف.

۱۱. بهبهانی، سیدعلی (۱۴۰۵ق)، **الفوائد العلیه ـ القواعد الکلیه**، چاپ دوم، اهواز: کتابخانه دار العلم.

۱۲. تبریزی جعفری، محمدتقی (۱۴۱۹ش)، **رسائل فقهی**، چاپ اول، تهران: مؤسسهٔ منشورات کرامت.

۱۳. توکلی، سیمین (۱۳۹۷)، «زن در ادیان ابراهیمی (اسلام، یهودیت، مسیحیت)»، پرتال امام خمینی رحمه الله، http://www.imam-khomeini.ir .

۱۴. توکلی، غلامحسین و آبداری، ربابه؛ (بی تا)، «آسیب‌شناسی نقش و جایگاه زنان و سبک زندگی زمینه‌ساز»، پایگاه مجلات تخصصی نور، https://www.noormagz.ir
۱۵. جلیلی جشن آبادی، صغری؛ (بی تا)، «بررسی سبک زندگی زمینه‌ساز ظهور با تاکید بر نهاد خانواده»، پایگاه مجلات تخصصی نور، https://www.noormagz.ir
۱۶. جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۶ق)، **فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت** علیهم‌السلام، چاپ اول، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل‌بیت علیهم‌السلام.
۱۷. جمعی از مؤلفان (بی‌تا)، **مجله فقه اهل البیت** علیهم‌السلام، چاپ اول، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل‌بیت علیهم‌السلام.
۱۸. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۵ش)، **حقوق و مسئولیت‌های زن در نظام اسلامی**، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۱۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸ش)، **زن در آیینه جمال و جلال الهی**، قم: دار الهدی.
۲۰. حسن‌زاده، صالح (۱۳۹۲ش)، **پژوهشنامه معارف قرآنی عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۲.
۲۱. حر عاملی، محمدبن‌حسن (۱۴۰۹ق)، **وسایل الشیعه**، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۲۲. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۳۸۸ش)، **تذکره الفقها**(طبع قدیمیه)، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۲۳. ـــــــــ (۱۴۲۰ق)، **تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة** (طبع الحدیثة)، چاپ اول، قم: مؤسسه امام صادق علیه‌السلام.
۲۴. حیدری، زهرا و حیدری، زینب (۱۳۹۹ش)، « بررسی دلایل ضرورت ابلاغ بیانیه گام دوم انقلاب از دیدگاه مقام معظم رهبری»، فصلنامهٔ علمی **پژوهش های انقلاب اسلامی**.
۲۵. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۵ش)، **زن و خانواده**، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۲۶. ـــــــــ (۱۴۲۲)، **استفتائات**، ج۳، پنجم، دفتر انتشارات اسلامی و ابسته به حوزه علمیه قم، قم.
۲۷. ـــــــــ (۱۴۲۴)، **رسالهٔ محشی**، ج۱، هشتم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم.

۲۸. خرم آبادی، یدالله و پوروهابی، زهره؛ (بی تا)، «نقش و جایگاه اجتماعی زنان و سبک زندگی زمینه‌ساز»، پایگاه مجلات تخصصی نور، https://www.noormagz.ir
۲۹. داورپناه، ابوالفضل (۱۳۷۵ش)، **انوار العرفان فی تفسیر القرآن**، تهران: انتشارات صدرا.
۳۰. دشتی، محمد (۱۳۸۱ش)، **مسئولیت تربیت؛ بررسی نقش زنان و مادران در تکامل کودک**، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه‌السلام.
۳۱. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷ش)، **لغت‌نامه**؛ تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۳۲. دهقان، اکبر (۱۳۸۶ش)، **صدوچهارده نکته از قرآن کریم و احادیث پیرامون تربیت فرزند**، قم: حرم.
۳۳. زرهانی، سیداحمد (۱۳۹۳ش)، «سبک زندگی»، **پایگاه مجلات تخصصی نور**، https://www.noormags.ir
۳۴. سلیمیان، خدامراد (۱۳۷۹ش)، «زن در گذر تاریخ»، **پایگاه مجلات تخصصی نور**، https://www.noormags.ir
۳۵. سیوری حلّی، مقدادبن‌عبدالله (۱۴۲۵ق)، **کنز العرفان في فقه القرآن**، چاپ اول، قم: انتشارات مرتضوی.
۳۶. شهابی، محمود (۱۴۱۷ق)، **ادوار فقه**، تهران: وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی.
۳۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۸. طریحی، فخرالدین‌بن‌محمد (۱۳۷۵ش)، **مجمع البحرین**، چاپ سوم، تهران: مرتضوی.
۳۹. طوسی، ابوجعفر محمدبن‌حسن (۱۴۰۷ق)، **الخلاف**، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۰. عنان پور خیر آبادی، مجید؛ (۱۳۹۵ش)، «ویژگی‌ها و مصادیق سبک زندگی زنان در قرآن کریم»، **پایگاه دانشنامه پژوهه**، https://www.pajoohe.ir
۴۱. فاضل قانع، حمید (۱۳۹۲ش)، **سبک زندگی بر اساس آموزه‌های اسلامی (با رویکرد رسانه‌ای)**، قم: نشر دین و رسانه.

۴۲. ـــــــــــ (۱۴۰۱ش)، «سبک زندگی اسلامی؛ ضرورت‌ها و راهبردها»، **وبگاه فصلنامه علمی تخصصی محفل**، هشتم، ۱۴۰۱،
https://pajoohesh.howzehtehran.com/Files/mahfel.php?idVeiw=4297&level=4&subid=4297
۴۳. فضل‌الله، سیدمحمدحسین (۱۳۸۳ش)، **اسلام، زن و جستارهای تازه**، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۴۴. قمّی، محمّدبن‌علی‌بن‌بابویه (۱۴۱۳ق)، **من لایحضره الفقیه**، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، **الکافي** (ط ـ الإسلامية)، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۴۶. ـــــــــــ (۱۴۰۹)، غفاری، علی اکبر و محمد جواد و صدر بلاغی، ج۳، اول، نشر صدوق، تهران.
۴۷. مجلسی، محمدباقربن‌محمدتقی (۱۴۰۳ق)، **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار**، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۸. محقق داماد یزدی، سیدمصطفی (۱۴۰۶)، **قواعد فقهی**، چاپ دوازدهم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۴۹. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲ش)، **اولویت‌های تحقق سبک زندگی اسلامی**، تهران: معرفت.
۵۰. مطهری، مرتضی (بی‌تا)، **مجموعه آثار**، چاپ اول، قم: انتشارات صدرا.
۵۱. مظلومی، رجبعلی (۱۳۸۸ش)، **تربیت معنایی انسان؛ تربیت از دیدگاه ائمهٔ اطهار**علیهم‌السلام، چاپ ششم، بی‌جا: انجمن اولیا و مربیان.
۵۲. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۱ق)، **الفقه علی المذاهب الخمسه**، چاپ دهم، بیروت: دار التیار الجدید ـ دار الجواد.
۵۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ق)، **دائره المعارف فقه مقارن**، چاپ اول، قم: انتشارات مدرسه امام علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام.
۵۴. ممیز، غدیرعلی (۱۳۸۴ش)، **پیمان مهربانی در پیوند زناشویی**، قم: انتشارات دهاقانی.

۵۵. منتظری نجف‌آبادی، حسینعلی (۱۴۰۹ق)، **دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه**، چاپ دوم، قم: نشر تفکر.
۵۶. ـــــــــ (۱۴۲۷ق)، **معارف و احکام بانوان**، چاپ دوم، قم: انتشارات مبارک.
۵۷. منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۷۶ش)، **زن و دفاع در اسلام**، تهران: کنگرهٔ بررسی نقش زنان در دفاع و امنیت.
۵۸. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸ش)، **صحیفه نور**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله.
۵۹. ـــــــــ (۱۴۲۲ق)، **استفتائات**، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶۰. ـــــــــ (۱۴۲۴ق)، توضیح المسائل (محشی ـ امام خمینی رحمه‌الله)، چاپ هشتم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶۱. میرزای قمی، ابوالقاسم‌بن‌محمدحسن (۱۴۱۳ق)، **جامع الشتات فی اجوبة السؤالات**، چاپ اول، تهران: مؤسسه کیهان.
۶۲. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، **جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام**، چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶۳. نراقی، مولی احمدبن‌محمدمهدی (۱۴۲۲ق)، **رسائل و مسائل**، چاپ اول، قم: کنگرهٔ نراقیین ملامهدی و ملااحمد.
۶۴. نوری، حسین‌بن‌محمدتقی (۱۴۰۸ق)، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۶۵. وطن‌دوست حقیقی مرند، محمدعلی (۲۰۱۸م)، «تحلیل فلسفی ارتباط میان بینش، گرایش و منش و راهکارهای تربیتی دستیابی به رفتار سالم»، تهران: **پنجمین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی**، علوم تربیتی و سبک زندگی.
۶۶. یوسفیان، نعمت‌الله (۱۳۸۶ش)، **تربیت دینی فرزندان**، تهران: زمزم هدایت.

دو فصلنامه علمی تخصصی
مطالعات تطبیقی فقهی
زن و خانواده
سال سوم، شماره پنجم
پاییز و زمستان ۱۴۰۲

چکیده‌ها